الو شرق ۸۸۶۵۴۳۹۰

■ **دموکراسی فرانسوی را هم نقد کنید:** سوالم از خانم فرزانه روستایی که در سرمقاله‌شان علاقه شیفته‌واری به دموکراسی فرانسه نشان می‌دهند این است که آیا در این مدت چندین میلیون نفر به خیابان‌های فرانسه نیامدند و به سیاست‌های اقتصادی دولت اعتراض نکردند؟ آیا سارکوزی عقب‌نشینی کرد و آیا سیاستمداران فرانسوی حقوق شهروندی مردم را رعایت کردند؟ یا به جای آن سنای فرانسه به‌رغم خواست عمومی مردم قانون ضدمردمی سارکوزی را تصویب کرد. چرا از دموکراسی فرانسه تصویر وارونه به مردم ارائه می‌دهید؟ آیا سارکوزی دستور سرکوب معترضان را نداد؟ چطور می‌گویید حقوق شهروندی در فرانسه نهادینه شده است؟ شما که از زندانی شدن معترضان ایرانی انتقاد می‌کنید باید شرایط دموکراسی در فرانسه را نیز نقد کنید.

شهروندی از تهران

■ **«شرق» و تناقض در برابر دموکراسی:** شما که تظاهرات فرانسه را امتیاز مثبتی برای دموکراسی فرانسه قلمداد می‌کنید، در مقابل دو سه هفته مقاومت دولت فرانسه در برابر خواسته چندین میلیون مردم این کشور چه استدلالی دارید. آیا اگر در ایران چنین اتفاقی بیفتد، توقع ندارید دولت نسبت به خواست مردم واکنش مثبت نشان دهد. پاسخ شما به این تناقض چیست؟

یک شهروند

شرق: معنای دموکراسی لزوماً این نیست که مردم همیشه برنده باشند و همیشه دولتی‌ها باید کوتاه بیایند. بخش مهمی از دموکراسی این است که حق مردم، اتحادیه‌ها و احزاب برای اعتراض پذیرفته شود. ممکن است دولتی بر اساس محاسبه‌ای ملی در برابر یک اعتصاب سراسری کوتاه نیاید، اما این به معنای اشکال در دموکراسی نیست. خدایی، در کجای جهان سوم می‌توان کشوری را یافت که دو هفته تظاهرات ادامه یابد، اما نه دولت سقوط کند، نه رژم عوض شود مثل قرقیزستان، و نه عکس کشته‌شده‌ها و مفقودها سوژه روز نشود.

■ **جریمه گرانفروشی با فاتحه:** فکر می‌کنم بهترین جریمه برای گرانفروشان نخریدن است. مردم اجناس گران نخرند. از گرانفروش‌ها هم خرید نکنند تا مجازات شوند.

یک مخاطب

■ **عکس غرفه «شرق» را چاپ کنید:** به روزنامه‌تان پیشنهاد می‌کنم عکس غرفه‌تان در نمایشگاه مطبوعات را چاپ کنید. از عدم چاپ مناظره صادق زیباکلام و سردار ذوالقدر هم انتقاد دارم. اما ممنون که پیام‌های ما را چاپ می‌کنید.

روئین‌تن

■ **چراغ ناروا به افغانستان:** بنده بدون هیچ مقدمه‌ای می‌روم سراغ اصل مطلب. می‌خواستم این سوال را از مسوولان بپرسم که در شرایطی که از سویی آمار معضلات اجتماعی مثل فقر، فحشا و بیکاری هر روز بالاتر می‌رود و از سوی دیگر شاهد گرانی و تورم فزاینده هستیم چه دلیلی دارد که به افغانستان کمک کنیم. خواهش می‌کنم در مورد این مساله بیشتر بنویسید. خواهش می‌کنم شما بیشتر به این مطالب بپردازید.

یک مخاطب از تهران

■ **انتقاد از حذف نام منتجب‌نیا:** در یکی از شماره‌های اخیر روزنامه‌تان مصاحبه‌ای با قائم‌مقام حزب اعتماد ملی انجام داده بودید که در روتیتر تنها اعلام کرده بودید قائم‌مقام حزب اعتماد ملی و نامی از وی نبرده بودید و بعد در ادامه مصاحبه که در صفحه ۱۸ چاپ شد نام او را درج کرده بودید. می‌خواهم بپرسم نباید اول مطلب یا در روتیتر دقت کرده و نام وی را می‌آوردید؟

یک شهروند

شرق: از آنجا که شخصیت و جایگاه حقوقی آقای رسول منتجب‌نیا برای توضیح درباره ادامه فعالیت حزب اعتماد ملی بسیار مهم بود در مقابل محدودیت فضای «روتیتر» ناچار به حذف نام ایشان شدیم.

■ **همدردی با متهمان بی‌مدافع:** می‌خواستم با برخی از افرادی که در اخبار مورد حمله قرار می‌گیرند و فرصت دفاع ندارند همدردی کنم. اگرچه نمی‌توانند از خود دفاع کنند اما مطمئنم این روزنامه را می‌خوانند و از همین جا برایشان دعا می‌کنم.

یک مخاطب

■ **سه به شک شدیم:** اخبار مربوط به پول دادن دولت به حامد کرزی را دنبال می‌کردم که سرمقاله خانم فرزانه روستایی را خواندم. دو به شک بودم، سه به شک شدم. می‌خواهم بپرسم جای دیگری نبود که باید پول را در هواپیما می‌دادند. این چه رسمی است که ما داریم.

عباسی

شرق: فردای انتشار سرمقاله «ماجرای پول دادن به کرزی» یک تصحیح و پوزش در صفحه دوم شرق چاپ شد مبنی بر اینکه یک غلط تایپی غیرمنتظره در همان مقدمه سرمقاله، نوشته خانم روستایی را بی‌معنی و برعکس کرده بود. در این مقاله فعل «می‌توانست» اشتباهاً «توانست» چاپ شده بود که تایید ساده‌اندیشی عملکرد وزارت خارجه در افغانستان بود. ضمن اینکه ایشان تاکید دارند معادله سیاسی در افغانستان با دیگر نقاط دنیا متفاوت است و ایران، حتی از قبل از انقلاب برای کنترل بحران و جلوگیری از سرایت عوارض درگیری‌های آن به ایران همیشه از طرق غیرمعمول در افغانستان خرج می‌کرده است. شک نکنید امریکایی‌ها، انگلیسی‌ها و هند و پاکستان هم در افغانستان همین کار را می‌کنند و حتی خیلی بدتر.

■ **زنان خیابانی ربطی به وضعیت اقتصادی ندارند:** مطلب منتشرشده در روزنامه‌تان درباره زنان خیابانی را خواندم. می‌خواستم بگویم پدیده زنان خیابانی در همه کشورها و در تمام دوره‌ها وجود دارد و ارتباطی با وضعیت کلان اقتصادی ندارد زیرا این پدیده در کشورهایی نیز که از لحاظ اقتصادی در وضعیت خوب و رشدیافته هستند دیده می‌شود اما چون مکان خاصی برای فعالیت دارند در خیابان دیده نمی‌شوند. این مساله فقط در ایران نیست و ربطی به اقتصاد ندارد و تنها پدیده‌ای است در جامعه بشری.

یک مخاطب

شرق: اطلاق کارگران جنسی به این طیف زنان و تاکید بر لزوم حمایت بهزیستی از این افراد به خوبی گواه ارتباط نیاز اقتصادی و رشد این پدیده است. ضمن ارجاع این خواننده محترم به گزارش‌های تخصصی و موجود در رابطه با پدیده زنان خیابانی و نیاز اقتصادی، ذکر این نکته ضروری است که بنا بر آمار و گزارش‌ها رشد این پدیده با کاهش توان درآمدزایی رابطه مستقیم دارد. در کشورهایی با اقتصاد خوب نیز این پدیده در بین برخی زنانی مشاهده می‌شود که از لحاظ اقتصادی دچار فقر هستند. البته غیر از مسائل اقتصادی طبیعتاً مسائل دیگری نیز دخیل است.

یدالله اسلامی در گفت‌وگو با «شرق»:

حذف اصولگرایان در دستور کار است

عکس: امیر جدیدی، شرق

ادامه از صفحه اول

اگر همه گرایش‌های رایج در کشور امکان حضور در انتخابات را نیابند حتی اگر فرد مورد نظر ما بهترین نیز باشد مورد استقبال قرار نخواهد گرفت. نباید شرایط اجتماعی به جایی برسد که عده‌ای احساس حذف‌شدگی بکنند و این برای جامعه مضر است و جامعه را رنج می‌دهد. این احساس در بین یک فرد و یک گروه نیز باقی نخواهد ماند و تمامی جامعه را در بر خواهد گرفت. وقتی اعلام می‌شود کسی که به دلیل گرایش فکری‌ای که دارد حذف می‌شود یعنی بخشی از جامعه را که این گرایش را دارد، حذف می‌کنیم. وقتی تو من را رد می‌کنی به من نیز این اجازه را می‌دهد که تو را رد کنم، نمی‌توان انتظار داشت که کسانی را که من را نمی‌پذیرند بپذیرم. طبق یک قاعده ساده و معمولی کسانی که شما را نمی‌پذیرند این حق را به شما نیز می‌دهند که آنها را نپذیرید و رد کنید. در این صورت اعتماد و اعتبار اجتماعی مورد خدشه قرار خواهد گرفت و سرمایه‌های اجتماعی مورد بهره قرار نخواهد گرفت و امروز چه سرمایه‌های عظیم اجتماعی وجود دارد که می‌تواند برای بهبود اوضاع به کار گرفته شوند و مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند.

– باز هم اظهارات شما معطوف به انتقادات‌تان است اما گروه‌ها و فعالان سیاسی نیز در مقابل برنامه‌ای برای حضور در کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی دارند، برای آنکه نماینده مجلس شوند، در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت کنند و... با توجه به تمام انتقادات شما در حال حاضر اصلاح‌طلبان یا مشخصاً نمایندگان عضو در مجموع ادوار مجلس چه برنامه‌ای برای حضور در فعالیت‌های سیاسی چون انتخابات دارند؟

نخستین مقوله و برنامه این است که با فراهم کردن زمینه‌های گفت‌وگو حاکمیت را به این نتیجه برسانیم که روش حذفی روش معقول، مقبول و به نفع کشور نیست. امروز سخن از وحدت می‌شود. اتفاقاً راه‌حل مشکلات کشور همبستگی ملی است. این همبستگی و وحدت ملی مقبول است اما نه فقط در سخن و باید در عمل نیز به آن توجه کرد و باید اسباب و لوازمش را نیز فراهم کرد. زمانی که کنشگران سیاسی به دلیل فعالیت‌های قانونی و سالم سیاسی از حقوق اولیه خود محروم می‌شوند و نه‌تنها از حق شرکت در انتخابات محروم می‌شوند که حق فعالیت سیاسی نیز نخواهند داشت آیا می‌توان به آن مفهومی که نمایانگر فعالیت‌های سیاسی است، فعالیت داشت؟

زمانی که احزاب نتوانند فعالیت کنند، کنگره‌های خود را تشکیل دهند و دیدگاه‌های خود را بیان کنند آیا می‌توان از آنها انتظار داشت فقط در انتخابات شرکت کنند؟ در گذشته شاید این مفاهیم و این کاستی‌ها چندان مورد توجه قرار نمی‌گرفت و پرده‌پوشی می‌شد اما اکنون در شرایطی قرار گرفته‌ایم که نمی‌توان از موارد اینچنینی عبور کرد. رخدادهای تاریخی‌ای که در برابر ماست ناگزیریم به آن پاسخ دهیم، در یک جامعه احزاب ناگزیر هستند که مخاطبان خود را قانع به فعالیت کنند، ما نمی‌توانیم اعلام کنیم در انتخابات شرکت کنیم در حالی که می‌دانیم رد می‌شویم یا اعلام حضور کنیم در حالی که پس از پایان انتخابات دچار مشکلاتی خواهیم شد، نمی‌توانیم بگوییم در انتخابات شرکت می‌کنیم در حالی که حتی امکان برگزاری یک کنگره نداریم و... به همین دلیل به نظر می‌رسد به رغم راه‌حلی که اصلاح‌طلبان در نظر دارند و پیاده کرده‌اند، اصلاح جامعه، رفتار حکومت، قوانین و توجه به حقوق عمومی با تکیه بر روش‌ها و راهکارهای قانونی در ساختارهای موجود بوده است.

اما آیا فرصت و امکان برای این گذر تاریخی و رسیدن به توسعه فراهم می‌شود؟ این پرسش را دست‌اندرکاران حکومت باید پاسخ دهند. باید توجه کرد که با بستن فضا و ایجاد تنگناهای سیاسی جامعه یکصدایی نخواهد شد و اتفاقاً چندصدایی خواهد ماند. پرسش‌های جامعه امروز از دیروز بیشتر است و پرسش‌های تازه‌ای طرح شده است و باید به این پرسش‌ها پاسخ داد. در اینجا نیز مجدداً بحث انکار مطرح می‌شود. با انکار واقعیت‌ها مسائل را تحلیل می‌کنیم و این سبب می‌شود فعالان سیاسی، جامعه‌شناسان و دست‌اندرکاران امور نتوانند به پاسخی صحیح دست پیدا کنند و در نتیجه از واقعیت‌های جامعه دور می‌شویم. من سخنان خود را سانسور می‌کنم، می‌شود خودسانسوری. شما واقعیت را نمی‌توانید منعکس کنید، می‌شود انکار.

کسی که مجبور است و واقعیت‌ها را وارونه جلوه می‌دهد، می‌شود رواج دروغ. چرا جامعه به چنین وضعی رسیده و ما دچار زوال اخلاقی شده‌ایم؟ صراحت، صداقت، راستگویی در سخن و درست‌کرداری در عمل کمرنگ شده است. حال آیا یک کنشگر سیاسی نباید نسبت به این پدیده‌ها واکنش نشان دهد یا با تملق، چاپلوسی و... نسبت به واقعیت‌ها واکنش نشان دهد؟ در نتیجه وقتی تصمیم گرفته می‌شود در یک انتخابات شرکت کنیم باید بتوان به پرسش‌های جامعه پاسخ‌های درست و قابل قبول ارائه داد. کدام بستر اجتماعی در حال حاضر این را می‌طلبد؟ ما می‌توانیم بگوییم همه چیز خوب است، یا اینکه کسانی که دارای دانش کافی هستند سکوت اختیار کنند. این سکوت مطمئناً به سود نیست و بخشی از اندوخته‌ها و توانایی‌ها را خود به خود از دسترس خارج می‌کند.

ما می‌گوییم می‌رویم به سوی انتخابات اما آیا نباید پاسخ‌های روشنی برای حضور در انتخاباتی که می‌دانیم تحت نظارت شورای نگهبان همراه با نظارت استصوابی برگزار می‌شود، داشته باشیم؟ این به نظر من مهم‌ترین گام بعدی است و نمی‌توان نیز از آن غفلت کرد حتی اگر صاحبان قدرت از این روشن‌گویی خوش‌شان نیاید.

– با این اوصاف در انتخابات‌های پیش رو شرکت می‌کنید؟

هنوز در این باره تصمیم‌گیری نکرده‌ایم چراکه هنوز درگیر گذشته هستیم.

– در حال حاضر اصلاح‌طلبان ظرفیت‌هایی دارند مانند اقلیت مجلس هشتم، نمایندگان شورای شهر و تشکل‌هایی چون مجمع ادوار نمایندگان مجلس، از این ظرفیت چگونه برای پیشبرد اهداف‌تان استفاده می‌کنید؟

در همه جای دنیا می‌تواند درباره مقوله‌ای بین مردم اختلاف پیش بیاید، بین مردم و حکومت، بین سندیکاهای کارگری و کارفرمایان، بین احزاب سیاسی و حکومت اختلاف پیش آید. این اختلاف باید پذیرفته شود و لازمه جامعه مدرن و طبیعت یک حرکت اجتماعی است. نکته دوم این است که بپذیرم راه‌حل چالش‌های سیاسی باید مبتنی بر راه‌حل‌های حقوقی، قانونی، گفت‌وگو و اقناع باشد، یعنی در جایی که حتی نبرد می‌کنند و می‌جنگند در پایان به گفت‌وگو روی می‌آورند. حتی اگر عده کمی نیز مخالف باشند نمی‌توان آنها را حذف کرد و از دایره گفت‌وگو خارج کرد، این خطای سیاسی است. ما می‌توانیم با یکدیگر اختلاف و چالش‌های عمیق سیاسی داشته باشیم اما باید با یکدیگر گفت‌وگو نیز داشته باشیم، این راه‌حل اصلاح‌طلبان است. آنها می‌گویند آن چیزی که بین ما و شما مشترک است یعنی قانون را پایه قرار دهیم اما از دستبرد تفسیرهای منفعت‌طلبانه شخصی دور نگه داریم و تفسیر حقوقی از قانون داشته باشیم و مبنای عمل قرار گیرد. این راه‌حل بسیار ساده‌ای است اما وقتی از آن پرهیز می‌کنیم نشان می‌دهد که مشکل جای دیگری است. زمانی که قانون اساسی تمامی افراد جامعه را مقابل قانون یکسان تلقی می‌کند مفهومش این است که حق همه از بالاترین سطح قدرت تا پایین‌ترین مردم در برابر قانون یکسان است. همین امور ساده که مربوط به فصل سه قانون اساسی و حقوق شهروندی است را رعایت کنیم بسیاری از مشکلات حل می‌شود و اتفاقاً از دل همین قانون می‌توان آن را اصلاح نیز کرد. این خیلی ساده است اما چرا یک نقطه‌ای را برای گفت‌وگو و ایجاد تفاهم پیدا نمی‌کنیم؟ من باز هم تاکید می‌کنم که وحدت ملی به معنی همه با من شدن نیست بلکه وحدت حول محور قانون، اقناع و منافع ملی شکل می‌گیرد و هیچ‌کس را نیز نمی‌توان بر این اساس حذف کرد. البته ما زمان زیادی نداریم و شاید جامعه در آینده از شنیدن این بحث‌های قانون و بحث‌های مربوط به گفت‌وگو فاصله بگیرد و آن وقت نیز ما هیچ نقشی برای حل مشکلات نخواهیم داشت، از این رو نباید اجازه داد بیش از این پتانسیل موجود از بین برود.

–گفت‌وگو را به عنوان راه‌حل عنوان کردید، جناح مقابل یعنی اصولگرایان نیز تاکنون چند بار از گفت‌وگو سخن به میان آورده‌اند اما برای آن پیش‌شرط‌هایی نیز قائل شده‌اند، آیا گمان می‌برید این گفت‌وگوها سرانجام صورت خواهد گرفت؟

من گمان می‌کنم بخشی از اصولگراها که به مفهوم واقعی نیز اصولگرا هستند و از اصول تبعیت می‌کنند به دلیل رفتار یک اقلیت محدود که از آنها نیز تبعیت نمی‌کنند بیشتر از اصلاح‌طلبان آسیب دیده‌اند و اعتبار اجتماعی‌شان در معرض آسیب جدی قرار گرفته است و به نوعی نقش آنان را در حل مسائل جامعه از بین برده است. به همین دلیل بخشی از اصولگرایانی که به اصولی باور دارند، در پیروزی انقلاب نقش داشته‌اند، در حوادث پس از انقلاب، جنگ، حوزه مدیریتی و... حضور داشته‌اند در حال حاضر در دایره تصمیم‌گیری نقش اساسی ندارند و با وجود آنکه با گفت‌وگو مخالف نیستند اما به نظر می‌رسد چرخه سیاسی که در حال حاضر در راس است حذف آنان را با سرعت بیشتری در دستور کار قرار داده است، هرچند به دلایل مختلف این اعلام نمی‌شود اما این اتفاق در جریان است. اما آن گفت‌وگو که اکنون بحث ماست باید به جریان بیفتد. البته نباید این تصور وجود داشته باشد که این گفت‌وگوها باید حتماً بین موافقان باشد، اتفاقاً باید گفت‌وگو و مذاکره بین مخالفان و موافقان صورت بگیرد و نمی‌توان کسانی را که به هر نحوی با نحوه مدیریت کشور مخالف هستند و انتقادات و اعتراضاتی در این خصوص دارند از گفت‌وگو خارج کرد و به سمت حذف آنان رفت، به طور مثال اگر به تاریخ دقت کنید می‌بینید که دکتر مصدق نیز در جریان ملی شدن نفت از یک وکیل انگلیسی استفاده کرد تا بتواند بر انگلیسی‌ها غلبه کند. این نشان می‌دهد که برای حل مشکلات و معضلات اجتماعی باید از سرمایه‌های نهفته استفاده کرد، در کنش‌های سیاسی باید گفت‌وگو کرد حتی با مخالف و در جنگ تحمیلی نیز که نهایتاً گفت‌وگو کردیم، حال نمی‌توانیم در مسائل داخلی خود وارد گفت‌وگو شویم و سرمایه‌های اجتماعی را به خدمت بگیریم تا معضلات و مشکلات کشور حل شود. ما بدون پیش‌شرط با جامعه جهانی وارد گفت‌وگو می‌شویم اما برای گفت‌وگوهای داخلی پیش‌شرط می‌گذاریم، به طور مثال می‌گویند توبه کنید تا با شما وارد گفت‌وگو شویم. خب این طرف هم اعتقاد دارد که آنها خطا کرده‌اند و به خطای آنها معترض است، پس برای چه چیزی توبه کند؟ این امکان‌پذیر نیست، باید با پذیرش اختلافات گفت‌وگو کرد، یعنی باید پذیرفت که انتقاداتی در خصوص نحوه مدیریت و نحوه اداره کشور وجود دارد و ما با بخشی از رفتار حاکمیت، بخشی از گفتارها و دخالت‌ها مخالف هستیم و اکنون می‌خواهیم بنشینیم و برای سالم‌سازی فضای اجتماعی و تاکید بر توسعه کشور و تامین منافع ملی راه‌حلی پیدا کنیم. راه‌حل جامعه این است که بر اساس اندیشه‌ورزی، خرد و فکر وارد فاز گفت‌وگو و مذاکره شویم، البته بی‌هیچ پیش شرط و اما و اگری. به نظر می‌رسد با پذیرش اختلافات و پذیرفتن اینکه باید یک راه‌حل درون‌ساختاری و درون‌ملی پیدا کرد و پذیرفتن سهم افراد در حل مشکلات اجتماعی و سیاسی زمینه‌های گفت‌وگو را فراهم کرد. گفت‌وگو دو جزء دارد؛ گفتن و شنیدن. تحمل شنیدن مهم‌تر از گفتن است اما متاسفانه دوستان ما تحمل شنیدن را از دست داده‌اند درحالی که دوران گفتن‌های یکطرفه به سر رسیده است. جامعه ما در حال حاضر از رهبران سیاسی‌اش پیشی گرفته است و تغییرات فکری، رفتاری، عقیدتی و باوری جامعه به گونه‌ای است که اگر به سرعت راه‌حل مناسب پیدا نکنیم طبیعی است در آینده دست ما از یافتن یک راه‌حل مناسب کوتاه خواهد بود، خصوصاً که چالش‌های فکری در جامعه ما بیشتر از آن چیزی است که گمان می‌بریم.

– بحث درباره گفت‌وگو همیشه وجود داشته، همیشه نیز گفته‌ایم که گفت‌وگو خوب است و باید باشد و... اما مهم شروع گفت‌وگو و به وجود آوردن فضای گفت‌وگو است، اصلاح‌طلبان چگونه می‌خواهند این فضا را به وجود آورند و چه ابزارهایی برای آن در اختیار دارند؟

وقتی جامعه از روش‌های معمول و ساده به خواسته‌های خود دست پیدا نکند به صورت طبیعی سمت و سوی جامعه به سمت رادیکالیسم می‌رود و یک خواست ساده تبدیل به یک خواست پیچیده می‌شود و در آن شرایط یک گفت‌وگوی ساده بین نیروهای سیاسی مخالف و موافق با واکنش جامعه روبه‌رو خواهد شد. در واقع در این شرایط جامعه پذیرفته است که گفت‌وگو دیگر راه‌حل مشکلات نیست و هر گفت‌وگویی را به معنی سازشکاری تلقی می‌کنند. اما باید به جامعه گفته شود که یکی از اصول سیاست بده بستان‌های سیاسی و گفت‌وگو و مذاکره است و هیچ ایرادی نیز ندارد و یک اصل پذیرفته در همه جا است، اما در جامعه ما این موضوع قابل قبول نیست و سازشکاری خوانده می‌شود و همیشه نیز سازشکاری منفی بوده است. باید فضایی را در جامعه به وجود آورد که ظرفیت‌های این امر در جامعه پذیرفته شود، خصوصاً که ما تجربه چنین امری را نیز داشته‌ایم و طلایی‌ترین دوران گفت‌وگو که قدر آن نیز دانسته نشد در دوران انتخابات بود که طرفداران هر کاندیدا با داشتن گرایش‌های کاملاً فکری متفاوت بی‌هیچ درگیری و خشونتی در خیابان‌ها با یکدیگر گفت‌وگوی مدنی می‌کردند و رفتارهای سیاسی خود را بروز می‌دادند. پس می‌بینیم که جامعه این ظرفیت را داشته است اما بخش‌هایی دچار سرخوردگی، انزوا، رادیکالیسم و... شدند برای بازگرداندن این فضا باید روند اعتمادسازی را به جامعه برگرداند و می‌تواند این پیام را داشته باشد که دچار تغییر رویه شده‌ایم. در مجموع باج دادن به افراد جامعه خودمان بسیار بهتر از باج دادن به بیگانگان است.

ادامه در صفحه ۱۷

عدلیه

محکومیت سیف‌زاده به محرومیت از وکالت

سیدمحمد سیف‌زاده به ۹ سال حبس تعزیری و ۱۰ سال محرومیت از حرفه وکالت محکوم شد. این وکیل دادگستری با بیان این مطلب گفت: شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به استناد مواد ۴۹۸ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی این حکم را برای من صادر کرده است. وی افزود: در مهلت قانونی به حکم صادره اعتراض خواهیم کرد.

آزادی علی پرویز

علی پرویز فعال دانشجویی روز گذشته پس از گذراندن دوران محکومیت خود از زندان اوین آزاد شد. این فعال دانشجویی دانشگاه خواجه نصیر، ۱۲ آبان ۱۳۸۸ بازداشت و در دادگاه بدوی به اتهام تبلیغ علیه نظام و اجتماع و تبانی برای اقدام علیه امنیت کشور به سه سال حبس تعزیری محکوم شد. حکم وی در دادگاه تجدید نظر به یک سال حبس تعزیری و جریمه نقدی کاهش یافت و این فعال دانشجویی روز گذشته با تمام شدن دوران محکومیت یک ساله خود از زندان اوین آزاد شد.

۲۰۰ ایرانی در زندان‌های آذربایجان

۲۰۰ ایرانی در زندان‌های جمهوری آذربایجان به‌سر می‌برند و منتظر اجرای قانون استرداد مجرمان هستند. یک منبع مطلع در گفت‌وگو با آخرین نیوز گفت: این افراد به جرم عبور غیرقانونی از مرز، قاچاق مواد مخدر و کالا و درگیری بر سر مسائل مالی در زندان‌های جمهوری آذربایجان به سر می‌برند. به گفته وی با توجه به توافقنامه استرداد مجرمان بین دو کشور، گفت‌وگوهایی با دادگستری جمهوری آذربایجان در حال انجام است تا این ۲۰۰ ایرانی زندانی با ۱۸ شهروند آذری زندانی در ایران مبادله شوند.

توضیح

توضیح سخنان پورمحمدی

روابط عمومی سازمان بازرسی کل کشور در مورد سخنرانی پورمحمدی در جمع دانشجویان دانشگاه امیرکبیر توضیحاتی ارائه کرد. به گزارش ایسنا در این توضیحات آمده است: ضمن تشکر از توجه مطبوعات و رسانه‌ها در انتقال مطالب و اهتمام به موضوعات مرتبط با سازمان بازرسی کل کشور اعلام می‌دارد سخنان حجت‌الاسلام والمسلمین پورمحمدی رئیس سازمان بازرسی کل کشور در محافل عمومی به خصوص علمی و دانشگاهی، کاملاً کارشناسی، حقوقی و در راستای اهداف عالی جمهوری اسلامی و به دور از شائبه‌های سیاسی و جناحی مطرح شده است. اما متاسفانه برخی رسانه‌ها با انتخاب گزینشی مطالب و ارائه تیترهای تنش‌زا درصدد تحقق اهداف محدود سیاسی و جاذبه‌های خبری (ژورنالیستی) خود هستند و بعضاً در این مسیر از بیان مطالبی که فضای عمومی کشور را ملتهب می‌کند نیز ابایی ندارند. با تاکید مجدد بر اینکه سخنان مطرح‌شده توسط ریاست سازمان بازرسی کل کشور صرفاً برای تنویر افکار عمومی و تبیین مبانی حقوقی و ارائه ارزیابی‌های کارشناسانه در جهت منافع ملی است؛ لذا از رسانه‌ها خواسته می‌شود در نقل و بیان مطالب مسوولان کشور امانتدار باشند و حقیقت را دستمایه اهداف زودگذر سیاسی نکنند و مجال اطلاع‌رسانی شفاف و اطمینان‌آفرین و اعتمادساز را افزایش دهند.